

که می خنداند



در زمینه ورود به عرصه کاریکاتور آموزش و خلاقیت فردی در چه نسبتی با هم قرار دارند؟

در زمینه کاریکاتور من چندان به آموزش اعتقاد ندارم چون پایه کاریکاتور به نوعی طراحی است. خود من برای ورود به این عرصه هیچ آموزش مستقیمی ندیدم و با دیدن کاریکاتورهایی که در مطبوعات کار می شد و دید خاص و حساسیتی که خودم در زندگی نسبت به مسائل داشتم باعث شد که به کاریکاتور رو بیاورم. کارم در نشریه چاپ شد و برنده و دعوت به کار شدم. فکر می کنم نسل امروز هم باید مطالعه بیشتری داشته باشد ما در جامعه ای زندگی می کنیم که با مسائل و چالش های زیادی روبرو هستیم و همه این چالش ها سوژه ای برای کاریکاتور است هستند و فکر می کنم با این مسائلی که ما داریم هیچ کاریکاتور یستی چه در زمینه های اقتصادی و سیاسی و چه از نظر تناقضاتی که در زندگی همه ما هست دچار کمبود سوژه نشود. منتها یک کاریکاتور یست باید سعی کند که آن دید طنزآمیز خودش را داشته باشد و به طور مستقیم به یک مشکل اجتماعی اشاره نکند چون اساساً هدف کاریکاتور این است که بتواند انسان ها را به مشکلاتشان بخنداند و به نظر من یک کاریکاتور یست موفق کسی است که می تواند هم انسان ها را به مشکلات رثالیستی خودش بخنداند مشکلاتی مانند گرانی، تورم، بیکاری و غیره و هم به مشکلات سورثالیستی خودش (این اصطلاحی است که من به کار می برم) یعنی مشکلاتی که شامل مسائل درونی، ذهنی و تخیلی خود انسان چرا که انسان ها حتی اگر مشکلات روزمره و مادی هم نداشته باشد باز یک سری مشکلات فلسفی دارند. به هر حال زندگی ما در نهایت به مرگ منجر می شود و خود زندگی یک طنز سیاه است، زندگی که همه ما به آن عادت کرده ایم و به مرگ فکر نمی کنیم، هر سال تولد ما را جشن می گیریم در حالی که در هر جشن تولد یک سال به مرگمان نزدیک تر می شویم. شخصاً کنار کارهای ژورنالیستی و ادیتوری همیشه به این تناقضات و تضادهای زندگی اشاره می کنم و شاید توجه من به صادق هدایت، فلسفه نسبیت و انیشتین نیز به همین نگاه برمی گردد البته لزومی ندارد حتماً تمام کاریکاتور یست ها به موضوعات عمیق و عجیب بپردازند اما به نظر من تنوع مسئله مهمی است که کاریکاتور یست باید در نظر بگیرد، آگاهی سیاسی اجتماعی داشته باشد و در زمینه طراحی و تکنیک و اجرا بیاموزد. در واقع کاریکاتور را می توان از لحاظ تکنیک و اجرا مثلاً پرسپکتیو، آناتومی، حرکت، شبیه سازی و... در کلاس ها آموزش داد اما سوژه یابی رانمی شود. درست مانند فردی که به دانشکده ادبیات می رود و لیسانس می گیرد اما الزاماً یک شاعر یا نویسنده نمی شود چرا که این مسئله به خلاقیتی برمی گردد که می تواند شامل آموزش کلاسیک نباشد.

مریم جعفری، تدوینگر:

سلیقه و نوع نگاهمان با کارگردان هم راستا بود

در زمینه تدوین این اثر آنچه بیش از همه به تولید یک فیلم روان انجامید چه بود؟

هم راستا بودن با خود آقای انعامی و تفکراتشان و استفاده از صحبت های ایشان خیلی کمک کرد و باقی داستان نیز به تکنیک و علاقه خودم به استفاده از تصاویر مرتبط بود. در واقع خود سوژه و موضوع ما را راهنمایی می کند که در این لحظه و در این زمان و با این کلماتی که مورد استفاده قرار گرفته یا حسی که به بیننده القا خواهد شد باید از چه تصویری استفاده کنیم که هم حس را بهتر منتقل کند و هم تصاویر کسل کننده و یکنواخت نباشند و در نهایت فیلم با یک تصویر خوب و روان و ریتم مناسبی پیش رود.

هم راستا شدن نگاه شما به عنوان تدوینگر با آقای انعامی به عنوان کارگردان چگونه صورت گرفت؟

در واقع ما با هم به یک تفاهم و توافق رسیدیم و فکر می کنم سلیقه و نوع نگاه مان هم راستا بوده است. ما ساعت های خیلی زیادی و گاه حدود ۱۲ ساعت در مورد فیلم و تدوین آن صحبت می کردیم و واقعاً اگر در بخش هایی نیاز بود که من سلیقه و نوع نگاه خودم را روی فیلم پیاده کنم آقای انعامی کار را به من می سپارند و ما با این دید پیش رفتیم و خدا را شکر تا این لحظه نیز این همکاری اصلاً اذیت کننده نبود.

به عنوان یک تدوینگر آیا آثار مستند و داستانی سینمایی جهان را دنبال می کنید و چیزهای جدیدی از این آثار به عنوان تجربه وارد کارتان می شود؟

بله خیلی زیاد و به نظر من دیدن هر فیلمی، حال فیلم های هالیوودی بیشتر برای کارگردان، فیلمبردار، تدوینگر و به نوعی همه فعالین این عرصه که به تولید فیلم می پردازند یک کلاس درس است و اینکه بدانیم یک فیلم چگونه و با چه سبک و سیاقی تدوین شده است و بیننده چه تصورات و برداشتی می تواند داشته باشد بسیار کمک کننده است و من به شخصه در بسیاری مواقع از فیلم های دیگر آموخته ام.

در بیاید منتها بخشی از صحبت هایم نبود که در این زمینه به فیلمساز حق می دهم.

به عنوان کسی که سال هاست در عرصه کاریکاتور هستید نسل جدید کاریکاتور یست های ایران را چگونه می بینید؟

حدود سال های ۷۰، ۶۹ بود که مجله طنز و کاریکاتور را منتشر کردم و مسابقه کاریکاتور گذاشتم و یک سری از جوان ها را دعوت به کار کردم بنابراین آثار زیادی برای ما فرستاده می شد و من سالانه از میان آنها بهترین آثار را انتخاب می کردم. این مسابقه استعدادیابی که من در مجله ام گذاشته بودم تاثیر خوبی گذاشت و نسل جدیدی از کاریکاتور یست ها پدید آمدند در کل فکر می کنم که نسل خوبی از کاریکاتور یست های معاصر داریم که مشغول به کار هستند اما شاید بحث کم تجربه بودن و کم بودن قدرت تحلیل سیاسی و اجتماعی کاریکاتور یست ها نکاتی باشند که بتوان به عنوان یک نقطه ضعف از آن نام برد. نه به خاطر اینکه بخواهم برتری خودم را اثبات کنم اما برای دل خودم بر اساس علاقه شخصی ام شاید جزو معدود کاریکاتور یست های دنیا باشم که در همه زمینه هایی که دوست داشتم کار کردم چون دوست داشتم علاقه خودم را در زمینه موسیقی، سیاست، ورزش فوتبال و موضوعات فلسفی و... با مخاطبانم در میان بگذارم. فکر می کنم انسان موجودی چند بعدی و پیچیده است به همین علت من همیشه سعی کردم خیلی متنوع کار کنم و این تنوع کاری شاید در آثار بسیاری از کاریکاتور یست ها دیده نشود. کاریکاتور یست باید قدرت تحلیل و آگاهی سیاسی داشته باشد چون کاریکاتور در کنار بعد اجتماعی اش بیشتر یک هنر سیاسی است البته خود من به هیچ عنوان یک بعدی کار نمی کنم چون خودم نیز فردا تنوع طلبی هستم.

از شانس خیلی خوب من بود که چنین فردی سر راه من قرار گرفت و از ابتدا با اعتماد کامل کار را به دست خودم سپردم و امروز هم که کار به نتیجه رسیده فقط از خوشحالی ما خوشحال هستند. آقای آئینی مهر فلسفه جالبی دارند و می گویند که باید در طول سال حتماً برای حمایت کردن از بخش فرهنگی و هنری جامعه به سینما و تئاتر بروم اما چون وقت نمی کنم ترجیح می دهم که هزینه این حمایت را به فعالین این عرصه بدهند بدیند تا آثار فرهنگی و هنری تولید شود، به نظر من خیلی تفکر زیبایی است و اینکه به نقش خود در چرخه اقتصاد هنر واقف باشیم مهم است و امیدوارم برای هر فیلم سازی یک بار اتفاق بیفتد که با یک سرمایه گذاری که نگاهی مانند آقای آئینی مهر دارد آشنا شود چون کار کردن با چنین افرادی بسیار لذت بخش است.

جواد عزیزاده، کاریکاتور یست:

کاریکاتور یست باید قدرت تحلیل داشته باشد

آیا این فیلم انتظارات و رضایت خاطر شما را بر آورده کرد؟ کلاً در این گونه آثار یک سری اصلاحاتی صورت می گیرد و شاید تمام گفته های من در فیلم نبوده باشد و اساساً بیشتر به همین جهات و به خاطر محدودیت هایی که هست اکثر گفت و گوهایی که در روزنامه ها و یا به صورت مصاحبه تصویری از من کار می شود باب میل من نبوده است. اما در کل این فیلم به نسبت چند فیلم دیگری که در مورد من ساخته شده فیلمی بسیار خوش ساخت است و آن ریزه کاری هایی که خود کارگردان در فیلم اعمال کرده و قسمت های موزیکالی که به آثار مورد علاقه خود من هم اشاره کرده بود سبب شده تا اثر خوبی از کار